

نقش جنسیت در استراتژی مبارزاتی داعش

سید جواد صالحی^{۱*}
رسول صفی‌زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۲

چکیده

گروه تروریستی - تکفیری داعش به عنوان یکی از مدرن‌ترین و به‌روزترین گروه‌های تروریستی جهان دارای بدنه اجتماعی از همه نوع افراد اعم از هر دو جنس زن و مرد بوده است. لذا نقش جنسیت و کارکردهای آن در چنین دولتی خود خوانده برای دستیابی به هدف اصلی آن یعنی تحقق دولت اسلامی (خلافت اسلامی) همواره مورد توجه سرکردگان گروه داعشی بوده است. بر همین اساس چیزی که در این بین مفروض واقع می‌شود باور به این امر است که داعش در استراتژی‌های مبارزاتی خود از هر دو جنس زن و مرد بهره گرفته؛ اما اینکه جنسیت زن و مرد از چه جایگاهی در استراتژی‌های مبارزاتی برخوردار هستند؟ و چه کارکردی برای تحقق دولت اسلامی داشته‌اند؟ پرسشی است که تلاش می‌شود در این پژوهش با رویکردی تحلیلی - تبیینی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به آن پاسخ داده شود. در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه کارکردگرایی تالکوت پارسونز در پاسخ به پرسش طرح شده تلاش شده به این فرضیه جامه عمل پوشانده شود که؛ در گروه تروریستی - تکفیری داعش، جنسیت بر مبنای کارکرد آن تفکیک شده است و هر دو جنس زن و مرد بر مبنای کارکردی که از منظر جنسیتی، تبلیغی، دولت‌سازی، ملت‌سازی، نظامی و ... برایشان تعریف شده به فعالیت در راستای تحقق دولت اسلامی پرداخته‌اند و تنها در مواقع اضطرار همچون فرار و نبود مبارزان مرد و ... شاهد تداخل فعالیت‌های جنسیتی داعش آن‌هم در برخی فعالیت‌ها بوده‌ایم.

واژگان کلیدی: داعش، کارکردگرایی، جنسیت، دولت‌سازی، ملت‌سازی.

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول: salehi_j@yahoo.com)

مقاله پژوهشی

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه شیراز

صفحه ۲۳۸-۲۱۱

(rasool.safizadeh@gmail.com)

مقدمه

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قرن بیست و یکم حضور و گسترش جریان‌های بنیادگرا، تکفیری-سلفی در سطح، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. این گروه‌ها با پیشرفت و توسعه روزافزون جهان از وسایل و ابزارها مختلفی در راستای تحقق اهداف موردنظر خود همچون دولت‌سازی-ملت‌سازی، گسترش ایدئولوژی مدنظر خود، رسیدن به خواسته‌ها و نیازها، تغییر وضع موجود و ... بهره گرفته‌اند. شایان توجه است که ظهور جنبش‌های اسلامی و سلفی‌گری در خاورمیانه باعث شده که از این منطقه از جهان به عنوان مهد تفکرات بنیادگرایی دینی و اسلامی یاد شود؛ بر همین اساس آبخنور فکری و عقیدتی این جنبش‌ها خاورمیانه و به ویژه کشورهای اسلامی است. در واقع محیط خاورمیانه و تحولات آن موجب رشد و بالندگی تفکراتی شده است که خود در شکل دادن به جنبش‌های اسلامی، به ویژه جنبش‌های تکفیری و جهادی نقش مؤثری داشته و گفتار و کردار آن‌ها به عنوان مانیفست و سندی برای این قبیل گروه‌ها شده است. رواج تفکرات اشخاصی همچون ابن تیمیه، سید قطب و محمد بن عبدالوهاب در این منطقه و بازتاب جهانی تفکرات آن‌ها، باعث شد که اشخاصی همچون بن‌لادن، ایمن ظواهری، الزرقاوی و ابوبکر البغدادی با تأثیرپذیری از تفکرات آن‌ها موجی از جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی را به راه بیندازند که با برداشت غلط از دین موجب نمایش چهره‌ای کریه از اسلام ناب محمدی شد و دخالت نظام‌های سلطه را در جهان اسلام افزایش داد.

در این میان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گروه‌های تکفیری عضوپذیری و بسیج نیرو و منابع است. چراکه گروه‌های تروریستی برای بقا و گسترش خود بیش از همه نیازمند بسیج نیرو و منابع هستند؛ به بیانی باید بیان کرد در صورتی که گروه‌های تروریستی عضو نپذیرند، می‌میرند و محکوم به فنا خواهند بود. در این بین دولت اسلامی عراق و شام به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های بنیادگرای منطقه از جهات مختلفی همچون نحوه عضوگیری و ترکیب جمعیتی با سایر گروه‌های هم‌رده متفاوت است، به گونه‌ای که می‌توان گفت بیشتر اعضای داعش را اتباع غیربومی و خارجی‌هایی تشکیل می‌دهند که از کشورهای مختلف جهان به آن پیوسته‌اند، در حالی که عضوگیری دیگر گروه‌های رادیکال عموماً از کشورهای اسلامی بوده است؛ لذا باید گفت؛ استراتژی مبارزاتی عمل‌گرای داعش موجب پیوستن هزاران نفر از اقصی نقاط جهان به این گروه شده است؛ البته و براساس پژوهشی که میتس^۱ (۲۰۱۹)

انجام داده است یکی از علل موفقیت داعش در جذب نیروهای خارجی سیاست‌های تبعیض‌آمیز و اشتباه کشورهای غربی در قبال اقلیت مسلمان در کشورهای اروپایی و آمریکا بوده است. بر همین اساس داعش همچون گروهی سلول مانند قلمداد می‌شود که از گرد هم آمدن افراد افراطی و تکفیری به وجود آمده و در راستای تحقق اهداف خود تلاش می‌کند. در این بین و در تفاوت با سلفی‌های قدیم نکته مهمی که در سلفیه جدید و به طور اخص در گروه تروریستی - تکفیری داعش مورد توجه است حضور و فعالیت هر دو گروه زن و مرد می‌باشد. این عامل (حضور زنان و مردان) در گروه داعش یکی از مهم‌ترین نقاط تمایز این گروه و سایر گروه‌های تکفیری و تروریستی محسوب می‌شود. البته این بدان معنا نیست که سایر گروه‌ها به عامل جنسیت زن و مرد توجهی نداشته و این مهم را مدنظر قرار نداده‌اند. بلکه باید گفت داعش به عنوان به‌روزترین و مخرب‌ترین گروه تکفیری تا به امروز بهتر و بیشتر از سایرین توانسته از حضور هر دو جنس زن و مرد در راستای تحقق اهداف مدنظر خود بهره بگیرد.

در واقع داعش برای برپا کردن دولت اسلامی مدنظر خود، تلاش کرده از همه ظرفیت‌های موجود و نیز از همه اقشار و جنسیت‌ها استفاده کند، در این بین، آنچه توجه همگان را به خود جلب کرده است حضور جمع کثیری از دختران و زنان با تابعیت‌های مختلف با انگیزه‌ها و دلایل عقیدتی - گفتمانی، اقتصادی و اجتماعی، در میان جنگجویان داعشی است. بیشتر زنانی که جذب داعش می‌شوند با بازی در شبکه خشونت‌آمیز داعش به سرعت به سوی رادیکالیزه شدن پیش می‌روند و از میان آن‌ها زنانی داعشی بیرون می‌آید که بیش از هر مرد داعشی دیگر می‌تواند در راستای تحقق دولت اسلامی مدنظر داعش، اثرگذار باشند (Cook & Vale, 2018:7)؛ بنابراین عامل جنسیت در نزد داعشی‌ها همواره مورد توجه است؛ اما اینکه جنسیت زن و مرد از چه جایگاهی در استراتژی‌های مبارزاتی برخوردار هستند؟ چه کارکردی برای تحقق دولت اسلامی داشته‌اند؟ پرسشی است که تلاش می‌شود در این پژوهش با رویکردی تحلیلی - تبیینی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به آن پاسخ داده شود. شایان ذکر و توجه است به دلیل بررسی نقش مردان در گروه‌های تروریستی همچون داعش، تمرکز پژوهش بر جنس زن است. لذا در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه کارکردگرایی تالکوت پارسونز در پاسخ به پرسش طرح‌شده تلاش می‌شود به این فرضیه جامعه عمل پوشانده شود که؛ در گروه تروریستی - تکفیری داعش، جنسیت بر مبنای کارکرد آن تفکیک شده است و هر دو جنس زن و مرد بر مبنای کارکردی که از منظر جنسیتی، تبلیغی، دولت‌سازی،

ملت‌سازی، نظامی و ... برایشان تعریف شده به فعالیت در راستای تحقق دولت اسلامی پرداخته‌اند و تنها در مواقع اضطرار (همچون فرار و نبود مبارزان مرد) شاهد تداخل فعالیت‌های جنسیتی داعش آن‌هم در برخی فعالیت‌ها بوده‌ایم. شایان توجه است آگاهی از گستره‌ی سیاسی و ایدئولوژی گروه‌های افراطی‌ای همچون داعش که شروع به استفاده از نیروی زن برای فعالیت‌هایی از قبیل علم منطق، عضوگیری، حفاظت سیاسی، عملیات، بمب‌گذاری انتحاری و مبارزه کرده‌اند کمک بسزایی به درک فرایند تصمیم‌گیری تروریست‌ها و فعالیت‌های درون‌سازمانی آن‌ها می‌کند و می‌تواند راه مقابله با آن‌ها را هموارتر سازد.

الف - پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه مبحث پژوهشی حاضر باید بیان کرد که مقالات و پژوهش‌های فراوانی که انجام شده است به بیان این مهم پرداخته‌اند که زنان چرا و چگونه به داعش پیوسته‌اند؛ لذا بیشتر از منظر چرایی پیوستن، به نقش جنسیت پرداخته شده است. از همین رو در تفاوت با پژوهش‌های انجام‌شده در این پژوهش نه از جنبه چرایی، بلکه از جنبه کارکردی به بررسی جایگاه زنان در استراتژی مبارزاتی داعش پرداخته می‌شود. با این حال به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این راستا اشاره می‌شود: وان سان در پژوهشی پیرامون زنان و دختران هلندی و بلژیکی که به داعش پیوسته‌اند به بررسی چرایی این اقدام و نقش خانواده‌ها، محیط و علل اصلی این اقدام پرداخته است و به این نتیجه می‌رسد که خانواده‌های این دختران بلژیکی و هلندی تا حدودی نقش تسهیل‌کننده در فرایند گرایش و ملحق شدن این دختران به داعش داشته‌اند (Van San, 2018). کاترینا کنیپ در مقاله‌ای با عنوان «زنان جهادی؛ زن در داعش»، به این مهم می‌پردازد که چرا زنان غربی به یک گروه مبارز سیاسی مانند گروه داعش که به طور وحشیانه‌ای آن‌ها را سرکوب می‌کند می‌پیوندند؟ کنیپ معتقد است زنان به دنبال انجام اقدامات غیرجنگی همچون فرزند آوری و کمک در راستای ایجاد خلافت جدید و رهایی از غرب به داعش پیوسته‌اند. این پژوهش همچون سایر پژوهش‌ها به انگیزه‌های پیوستن افراد به داعش پرداخته است (Kneip, 2016). ریچارد بارت در پژوهشی با عنوان «جنگجویان خارجی و تهدید بازماندگان» در ذیل بخشی با عنوان زنان و کودکان به بررسی تعداد کودکان و زنان در گروه داعش و تابعیت آن‌ها و همچنین چرایی پیوستن آن‌ها به داعش پرداخته است (Barrett, 2017). در مقاله‌ای با عنوان «داعش و تبلیغات: چگونگی بهره‌کشی داعش از زنان» راه‌های

بهره‌کشی از زنان را از طریق تبلیغات سیاسی داعش مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور نویسندگان شیوه نشان دادن زنان در کتاب‌ها و انتشارات داعش را ارزیابی کرد. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم درگیر بودن با مسئله سکس و استفاده جنسی از زنان، رهبران داعش خود و مردمان خودشان را فریب می‌دهند که آن‌ها تنها مطابق تعالیم اسلام عمل می‌کنند، درحالی‌که هیچ‌گونه اقدام اسلامی در مورد اعمالشان وجود ندارد (Ali, 2015). جنیفر فلیپیه ایگرت در مقاله‌ای با عنوان «مبارزان زن در دولت اسلامی و القاعده در عراق: تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای» بر این اعتقاد است که زنان در کنار مردان در روند گسترش خشونت و صلح مؤثر هستند و نمی‌توان آن‌ها را تنها در قالب قربانیان خشونت تجزیه و تحلیل کرد (Philippa Eggert, 2016). اریک میتس در مطالعه‌ای با عنوان «در مورد زنان چی؟ درک و پرداختن به مشکل به‌کارگیری زنان توسط داعش در کشورهای بالکان غربی» به سیاست به‌کارگیری و به خدمت گرفتن زنان در کشورهای بالکان غربی توسط نیروهای داعشی می‌پردازد. در بخش اول مقاله، میتس به بررسی تعداد زنانی که کشورهای غرب بالکان را برای عضویت در قلمرو دولت اسلامی ترک کرده‌اند می‌پردازد. در بخش دوم مقاله، دلیل مهاجرت این زنان برای استخدام توسط دولت اسلامی مانند عدم حس تعلق، عدم رضایت از زندگی، ترس از اسلام، بیکاری و... توضیح داده شده است (Mietz, 2016). در پژوهشی دیگر با عنوان «چهره‌ی پنهان تروریسم: تحلیل زنان در دولت اسلامی» آماندا اسپنسر به کاوش فعالیت‌های بی‌شماری می‌پردازد که شبکه‌ی زنان داعش انجام داده‌اند و همچنین این پرسش را که چرا زنان نقش‌های خاصی را در خلافت خود بر عهده می‌گیرند، مورد تحلیل قرار می‌دهد (Spencer, 2016). دبانگانا چاترجی نیز در مقاله‌ای با عنوان «جنسیت داعش و نگرش آن‌ها نسبت به نقش زنان» در ابتدا موضع‌گیری‌های نظری موجود در مورد موقعیت زنان در برابر درگیری‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس با نگاهی فمینیستی و صلح محور و نه نگاه کارکردی، به بررسی جایگاه زنان در گروه تروریستی داعش پرداخته و موقعیت آن‌ها را در درگیری‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد (Chatterjee, 2016).

ب - مبانی نظری

همان‌گونه که در سطرهای پیشین بیان شد نظر بر این است که در این پژوهش از الگویی نظری کارکردگرایی تالکوت پارسونز بهره‌گیری شود. بر همین اساس تلاش می‌شود به صورت مبسوط به این مهم پرداخته شود. با توجه به کارکردگرایی، ما می‌توانیم تجزیه و تحلیل کنیم که چه شرایط ذهنی

از لحاظ ورودی‌ها و خروجی‌ها وجود دارد و می‌تواند تعریف‌کننده نقش و کارکردهای آن باشد. در این بین هر حالت ذهنی و سازمانی متشکل از روشی است که به شیوه‌های خاصی رفتار می‌کند و برخی از شرایط ذهنی دیگر را با توجه به ورودی‌های خاصی از حواس و دیگر حالت‌های ذهنی به وجود می‌آورد. بر همین اساس محبوب‌ترین دلیل کاربست کارکردگرایی، کاربردی بودن نقش علیت، ورودی‌ها و خروجی‌ها به صورت علمی قابل درک است؛ که در این میان وضعیت‌های ذهنی مختلف و ساختار سازمانی و نوع نگرش به نقش و فرد در ورودی‌ها و خروجی‌های آن‌ها متفاوت است (Lacewing, 2014: 1). کارکردگرایی مانند سایر نظریه‌های علوم اجتماعی دارای پیش‌فرض‌های اساسی است که نحوه تبیین واقعیت‌های اجتماعی را سمت‌وسو می‌دهد. به‌طور مختصر می‌توان گفت که کارکردگرایی از حیث هستی‌شناسی واقع‌گرا، از حیث انسان‌شناسی جبر انگار، از حیث معرفت‌شناسی اثباتی و از حیث روش‌شناسی قانون بنیاد است. مهم‌ترین گزاره کارکردگرایی نسبت به ماهیت جامعه، تلاش در جهت حفظ و توجیه نظم در مقابل ایجاد تغییر و دگرگونی در جامعه است (راین، ۱۳۸۸: ۲۲۳).

پارسونز با ارائه نظریه کلان کارکردگرایی ساختاری، دگرگونی بنیادینی در تفکر جامعه‌شناختی ایجاد کرد (Parsons, 2010: 12)؛ رویکرد کارکردگرایانه وی بر محور نظریه کنش اجتماعی و تحلیلش از سیستم‌های اجتماعی استوار است (دیلینی، ۱۳۸۷: ۳۷۳). کارکردگرایی اجتماعی در این میان کارکردهایی را در کانون توجه قرار خواهد داد که مربوط به جامعه بوده و در این بین ساختارهای فراگیر اجتماعی و نهادهای جامعه، روابط متقابل آن‌ها و تأثیر محدودکننده آن‌ها بر کنشگران مورد بررسی قرار خواهد گرفت (ریتزر، ۱۳۸۹: ۱۳۰). لذا باید گفت مهم‌ترین نظریه پارسونز تحت عنوان کارکردگرایی ساختاری است که نظام را براساس ساختار و کارکرد تقسیم می‌کند. این نظریه اساس کارکردگرایی را تشکیل می‌دهد پارسونز بر مبنای تئوری ساختاری خود تلاش کرد نظم را در سیستم اجتماعی به وجود آورد. (Joas & et.al, 2014: 28) تئوری کارکردگرایی ساختی (ساختاری) از یکسو کارکردها و نتایج پدیده‌های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد و از سوی دیگر بر رابطه پایدار و تداوم بین عناصر جامعه و کل نظام اجتماعی ناظر است. هر ساخت که از روابط ثابت و پایدار تشکیل می‌شود با یک سلسله کارکردها در نظام اجتماعی تناسب دارد. بنابراین کارکردگرایی ساختی از دو منبع الهام می‌گیرد. یکی کارکردگرایی‌ای که جامعه را دارای عناصری که هر یک در جای خود و به خوبی کار می‌کنند و در کل نظام ضرورت دارند، تلقی می‌کند و دیگری ساختارگرایی که در آن

پدیده‌های اجتماعی از طریق کیفیت ساخت جامعه تحلیل می‌شود. در این حالت اجزای مجموعه به واسطه عامل ساختی در اتصال و ارتباط پیوسته و پنهانی هستند (دیانت، ۱۳۹۵: ۱۰۷-۱۰۸).

کارکردگرایی ساختاری پارسونز از چهار وظیفه کارکردی برای تمام نظام‌های کنش، طرح معروف او به نام AGIL تشکیل می‌شود؛ که در بررسی کارکردها به مجموعه فعالیت‌هایی اشاره دارد که هدفشان برآوردن یک نیاز یا چندین نیاز جامعه بود. یک کارکرد مجموعه فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای اجتماعی انجام می‌گیرد (دیانت، ۱۳۹۵: ۱۰۹) به گفته وی چهار کارکرد برای بقا تمامی نظام‌ها ضروری و الزامی‌اند. این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: سازگاری^۱، دستیابی به هدف^۲، یکپارچگی^۳ و کمون یا حفظ الگو^۴ (ریتزر، ۱۳۸۹: ۱۳۵). از نظر سازگاری یک نظام باید با محیطش سازگار باشد و محیط را با نیازهای سازگار دهد؛ و با حوادث و خطرات محلی مقابله کند. علاوه بر این می‌بایست جهت دستیابی به اهداف خود به تعریف نیازهای خود بپردازد و درعین حال رشد کند و گسترش یابد. یکپارچگی نیز اقتضا می‌کند که هر نظامی درصدد تنظیم رابطه متقابل اجزای سازنده‌اش باشد. یکپارچگی همچنین متضمن اداره رابطه میان سه وظیفه کارکردی دیگر است. حفظ الگو نیز بیشتر به نیاز فراهم آوردن، حفظ کردن و تجدید الگوهای فرهنگی‌ای مربوط می‌شود که انگیزش فردی را تولید می‌کنند و استمرار می‌بخشند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۱۳۶-۱۳۸). از نظر پارسونز ارگانسیم رفتاری، نظام شخصیت، نظام اجتماعی و فرهنگی به کنش‌ها مربوط می‌شوند؛ و هر یک عمدتاً در انجام دادن یکی از چهار ضرورت کارکردی نقش دارند. ارگانسیم رفتاری آن نظام کنش است که کارکرد سازگاری را با تطبیق یافتن با جهان خارجی و تغییر آن فراهم می‌کند. نظام شخصیت نیز مسئول انجام کارکرد دستیابی به هدف از طریق تعریف کردن اهداف نظام و بسیج کردن منابع برای دستیابی به آن‌هاست. نظام اجتماعی با نظارت بر اجزاء سازنده‌ی آن از پس کارکرد یکپارچگی برمی‌آید. سرانجام نظام فرهنگی از طریق تأمین هنجارها و ارزش‌ها برای کنشگران که آن‌ها را به کنش ترغیب می‌کنند کارکرد کمون را انجام می‌دهند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

شایان ذکر است از نظر پارسونز نظریه کارکردگرایی بر دو فرض استوار است: نخست وابستگی متقابل اجزاء که در آن نهادهای مختلف نظام با یکدیگر در ارتباط‌اند و کارکرد آن‌ها مستلزم ثبات و

- 1 . Adaptation
- 2 . Goal attainment
- 3 . Integration
- 4 . Latent pattern maintenance

تعادل در آن‌هاست. دوم اینکه نوعی اجماع عمومی بر سر ارزش‌ها وجود دارد. چرا که کارکرد صحیح سیستم مستلزم آن است که همه‌ی اعضای جامعه در مورد درستی‌ها و نادرستی‌ها، ارزش‌های بنیادی و موضوعات اخلاقی، به توافق عام دست یابند (دیلینی، ۱۳۸۷: ۳۵۳-۳۵۴). در این رویکرد، تغییرات اجتماعی معلول رشد جمعیت و پیشرفت فناوری و تکنولوژی دانسته می‌شود. لذا باید گفت مدل کارکردگرایی پارسونز مبتنی بر تعادل حیاتی قرار دارد. در کل فرض اساسی کارکردگرایی پارسونز بر این بنیان است که ثبات یا تعادل ایجاد شود. (دیلینی، ۱۳۸۷: ۳۵۴) از منظر پارسونز سیستم معیارها و هنجارها را به رسمیت می‌شناسد و بر ارزش‌ها توجه دارد (Joas & et.al, 2014: 50).

علاوه بر این پارسونز در سیستم اجتماعی (۱۹۵۱) کوشید با یکی کردن نقش ساختار و فرآیند سیستم اجتماعی در مورد کنشگران، «نظریه کنش اجتماعی» خود را با صراحت بیشتری بیان کند. بر همین اساس وی کنشگران اجتماعی را در سیستم اجتماعی و نظام سیاسی وارد می‌سازد. از نظر او، یک سیستم اجتماعی شیوه‌ای از سازمان‌دهی مؤلفه‌های کنش است. لذا بر مبنای نقشی که وی برای کنشگران قائل شده است سه واحد متمایز را در سیستم اجتماعی مشخص می‌کند. نخستین واحد «کنش» است. او کنش را از آنجاکه بخشی از فرآیند کنش متقابل بین یک کنشگر با سایر کنشگران است، یک واحد در سیستم اجتماعی می‌داند. دومین واحد «نقش منزلتی» است. در این میان سیستم اجتماعی شبکه‌ای از کنش‌های متقابل است و هر فرد کنشگر در مجموعه‌ای از کنش‌های متقابل با یک یا چند کنشگر دیگر در سیستم اجتماعی درگیر است. این مشارکت و درگیری متأثر از «موقعیت» فرد در ارتباطاتش است که آن را «منزلت» می‌خوانند. وی بیان می‌کند که منزلت‌ها و نقش‌ها، یا مجموعه نقشی - منزلتی را در مجموع نباید خصیصه‌های کنشگران، بلکه واحدهای سیستم اجتماعی دانست. اگرچه برخورداری کنشگران از منزلتی مشخص ممکن است غالباً خصیصه کنشگران به شمار آید. سومین واحد در سیستم اجتماعی خود فرد کنشگر است. خود کنشگران از طریق منزلت و نقشی که بر عهده می‌گیرند در کارکرد نظام و سیستم اجتماعی مؤثر واقع خواهند شد. از نظر پارسونز سیستم نقش‌های نهادینه شده در فرآیندهای انگیزشی که بر حول آن‌ها سازمان یافته‌اند توجه می‌کند (دیلینی، ۱۳۸۷: ۳۵۶-۳۵۹). پارسونز بیان می‌کند که نقش فرد بر مبنای تعامل با سیستم شکل می‌گیرد. این سیستم می‌تواند خانواده یا وضعیتی مانند کار باشد. از نظر وی نقش‌ها با زیر سیستم‌های جامعه نیز در ارتباط هستند (Joas & et.al, 2014: 118). در این سیستم سطوح مختلفی وجود دارد که در آن طرح مفهومی عقلانیت ممکن است مورد استفاده قرار گیرد. مشکل همیشه

اهمیت عناصر عقلانی در درک تغییرات بین موارد مختلف عمل فرد است (Parsons & et al, 2018: 55).

شایان ذکر است پارسونز در سیستم اجتماعی به کنشگران بی‌اعتنا نبود و درعین حال توانست همواره نقش کنشگران را در چارچوب سیستم اجتماعی قرار دهد. در این میان پارسونز در کنار عواملی همچون طبقه و نژاد به بررسی مقوله جنسیت در کنش‌های اجتماعی پرداخته است. وی معتقد است منشأ تفاوت‌های موجود در نقش‌های جنسیتی را در خانواده باید دانست. از نظر او، همواره در طول تاریخ فرزند داشتن برای بقاء نوع انسان، برای زنان ضروری بوده است. همان‌طور که مردان نان‌آور بوده‌اند؛ بنابراین همه افراد اعم از زن و مرد در نگرش پارسونز پس‌ازآنکه به صورت صحیح اجتماعی شدند و تعلیم یافتند می‌توانند بیاموزند که با سیستم اجتماعی سازگار شوند و موجودیت خود را حفظ کنند (دیلینی، ۱۳۸۷: ۳۷۰-۳۷۳).

در پیوند میان نظریه مطرح‌شده و نقش جنسیتی باید بیان کرد که مفهوم نقش جنسیتی را می‌توان با شاخص‌هایی همچون اختصاص پاره‌ای از وظایف و کارهای خانگی یا اجتماعی به یکی از دو جنس زن و مرد و نیز انتظار ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری متفاوت از هر یک از دو جنس تعریف کرد. در واقع مفهوم نقش در جامعه‌شناسی به وظایف و انتظاراتی اشاره دارد که برای هر فرد برحسب پایگاهی که در جامعه احراز نموده، تعیین شده است؛ بنابراین نقش جنسیتی عبارت است از انتظارات غالب در یک جامعه در مورد فعالیت‌ها و رفتارهایی که مردان و زنان می‌توانند یا نمی‌توانند در آن‌ها درگیر شوند (بستان، ۱۳۸۵: ۶). پارسونز در تحلیل و بررسی کارکرد جنسیتی بین زن و مرد عمدتاً به خانواده اشاره دارد. لذا وی بر نقش محوری تقسیم کار جنسیتی در حفظ وحدت و انسجام خانواده تأکید کرده است. با در نظر گرفتن اینکه داعش همچون یک خانواده و ساختار منسجم دارای هدف‌های تعیین شده همچون دولت‌سازی و ملت‌سازی، گسترش قلمرو، مبارزه با دشمن نزدیک و ... است که بر مبنای کارکرد سازمانی و ساختار تعریف و چارچوب‌بندی می‌شوند و منزلت افراد و نقش‌ها بر مبنای ویژگی‌های دولت اسلامی عراق و شام تدوین شده است به گونه‌ای که بر مبنای آن دست به کنش اجتماعی بزند. از همین رو با توجه به تفکیکی که پارسونز از نقش جنسیتی زن و مرد در خانواده دارد، بر مبنای نظریه کارکردگرایی که وی به آن توجه کرده باید به تحلیل نقش جنسیت در استراتژی مبارزاتی داعش پرداخت. به گونه‌ای که در این میان باید گفت، جنسیت‌ها در داعش در ابتدا در سازگاری با هدف تشکیل خلافت در کنار یکدیگر جمع شده و سپس با حفظ الگو جهت

دستیابی به اهداف خود به یکپارچگی و هماهنگی روی آورده‌اند. فلذا در برخی از مواقع جنسیت‌ها به عنوان مکملی برای یکدیگر در استراتژی داعش قلمداد شده و در پیشبرد اهداف برنامه‌ای آن‌ها نقش مهمی ایفا کرده‌اند؛ اما یکی از تناقضاتی که داعش در مورد تعریف نقش‌ها و کنش‌های اجتماعی در قالب الگویی جنسیت با آن روبه‌رو بوده است عدم ثبات و چارچوب‌بندی منسجم جامعه و مدیریت آن است. بدین معنا که داعش در مرحله اول موفق نشد که یک جامعه تثبیت‌شده ایجاد کند تا بتواند بر اساس آن به تعریف نقش و کارکرد جنسیت بپردازد و در نتیجه با چالش‌های جدی دست‌به‌گریبان شد (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۶: ۱۰۷). در حقیقت، نقش زنان در ایده داعش از حاکمیت نه بر اساس یک برنامه و راهبرد از پیش تعیین‌شده و برنامه‌ریزی‌شده بلکه بر اساس ضرورت شکل گرفت و پروراند شد. در واقع، زنان بیشتر از آنکه یک راهبرد عینی و ملموس با جایگاهی معین و مشخص باشد، ابزاری هستند در راستای اهداف کلان این و هرگز به عنوان کنشگر جدی و محوری مورد توجه نبوده است.

پ - جنسیت و تروریسم داعشی

در اکثر موارد در ادبیات علمی در مورد تروریسم و جنسیت، زنان نادیده گرفته می‌شوند. اغلب فرض بر این است که اعضای گروه‌های خشونت‌آمیز غیردولتی با استفاده از تاکتیک‌های تروریستی مردان و بدون تأیید اینکه زنان نیز ممکن است مهم باشند نقش‌آفرینی می‌کنند (Philippa Eggert, 2016: 363). در تئوری‌های اسلام سیاسی نیز تضادهای متفاوتی بین دیدگاه غیر پدرسالارانه از قرآن از حقوق زنان و همچنین اسلام پدرسالارانه و سیاسی وجود دارد. اسلام سیاسی استبدادی عمدتاً از طریق تفسیر و تأکید بر امتیاز و قدرت مردان، درک عمده پدرسالارانه قرآن «و تفسیر شارح» را دارد (قانون اسلامی). این بخش بر توانایی مردان برای ایجاد حکومت اسلامی تأکید دارد، زیرا این ارتباط با ساختن رابطه جنسیتی در یک جامعه است. اینکه دولت اسلامی، مردم خود و وضعیت و حقوق آن‌ها را تعیین می‌کند و همچنین تخصیص قدرت درون کشور- ملت را به طور گسترده‌تر تعریف می‌کند. نشان از تأثیر دولت اسلامی بر ساخت جنسیتی و کارکردی آن دارد (Hojati, 2016: 303).

حضور جنسیت‌های مختلف در عملیات‌های تروریستی امری جدید و بدیع تلقی می‌شود و زنان تا قبل از فوریه ۲۰۱۶ که اولین بار از زنان در لیبی در عملیات انتحاری استفاده شد ناشناخته بودند؛ و تنها در امور جهاد نکاح مورد توجه بودند (Philippa Eggert, 2016: 365). در این میان در تحلیل

نقش جنسیت در گروه‌های تروریستی‌ای همچون داعش باید گفت که داعش نام گروهی از اسلام‌گرایان سنی مذهب (وهابی) تروریستی است که رهبر آن ابوبکر البغدادی خود را خلیفه مسلمانان جهان اعلام کرد و داعیه رهبری مذهبی همه مسلمانان را دارد. وی پس از مرگ مُصری به عنوان رهبر جدید دولت اسلامی عراق معرفی شد و مجدداً تشکیلات را تحت عنوان دولت اسلامی عراق و شام در آوریل ۲۰۱۳ برچسب‌گذاری کرد (freemen, 2014: 118). استراتژی داعش در پیشبرد اهدافش کنترل قلمرو تحکیم و گسترش جایگاه خود است. اهدافی که در گفتمان و راهبرد داعش با تکیه بر قدرت رسانه‌های اجتماعی و ارباب افسارگسیخته تا حدود زیادی محقق شد (Peter, 2019: 519). بخشی از این استراتژی ایدئولوژیک است؛ داعش درصدد است دولتی ایجاد کند که مسلمانان بتوانند تحت قانون اسلامی (یا نسخه پیچیده داعش از قانون) زندگی کنند. بخش دیگر الهام‌بخش یا برانگیزاننده است که با تشکیل دولت اسلامی، بسیاری از مسلمانان شگفت‌زده می‌شوند و به آغوش گروه می‌پیوندند. بخش سوم استراتژی داعش، استراتژی پایه است؛ با کنترل قلمرو دولت می‌تواند یک ارتش بسازد و از طریق ارتش مناطق بیشتری را تحت کنترل خود درآورد (کیانی، ۱۳۹۴: ۶۵). اسلام سیاسی داعشی قرآن را یک لنز پدرسالارانه می‌داند که ایجاد مشترک جنس‌ها را تحریف می‌کند و سلسله‌مراتب را معرفی می‌کند. این دیدگاه به مردان بیشتر امتیاز و قدرت می‌دهد و بیان می‌کند که زنان باید مطیع و بی‌نیرو باشند. مردان نقش خدا را در زمین به دست می‌آورند و انتقال قدرت از پدر به شوهر و حتی پسر در سطح خانواده به دست می‌آید (Hojati, 2016: 304).

لذا نکته قابل‌توجه در مورد داعش حضور هر دو جنس زن و مرد در کنار یکدیگر در مبارزات است. در این بین نوع نگاه داعش به زنان باعث شده شاهد حضور رو به رشد زنان در این گروه تکفیری و تروریستی باشیم. به بیانی اگرچه بسیاری از جنگجویان خارجی داعش مرد هستند اما داعش توانسته است در کنار آن‌ها تعداد بسیاری از زنان را جذب کند (Tse, 2016: 5) یک تحقیق گسترده که توسط مؤسسه گفتگوهای استراتژیک انجام شده است نشان می‌دهد که تعداد قابل‌توجهی از زنان غربی در معرض خطر برای پیوستن به گروه داعش هستند که در این بین زنان ۱۶ تا ۲۴ ساله به صورت عمده مورد توجه می‌باشند. (Perešin, 2015: 22) و داعش نیز از طریق توصیف یک مدینه فاضله – که به صورت خیلی حرفه‌ای و جذاب در شماره‌های مختلف مجله این گروه با نام دابق^۱ توصیف و تشریح شده است (Barton, 2019: 20) – و فریب دختران جوان و گاه‌آ از طریق خشونت

به جذب و به کارگیری آن‌ها اقدام می‌کند (Binetti, 2015:2).

علی‌رغم مقررات جنسیتی و محافظه‌کارانه، خشونت وحشیانه و پوشش گسترده داعش برای استفاده از تجاوز جنسی، بیش از ۶۰۰ زن خانگی خود را در کشورهای غربی برای پیوستن به داعش ترک کرده‌اند (Walton, 2019:8). محققان و مفسران غربی اغلب پیوستن زنان به داعش را از منظر تمایل زنان برای ماجراجویی عاشقانه، فریب از جانب رسانه‌های اجتماعی و احساسات ضد غربی ایجاد شده توسط تبعیض و خشونت در کشورهای خود توضیح می‌دهند (Saltman & Smith, 2015: 22). لذا القاعده و داعش بیشتر از طریق به کارگیری رسانه‌های اجتماعی به اغوا کردن زنان برای پیوستن به آن‌ها پرداخته‌اند؛ و بسیاری از زنان جوان با فکر به زندگی رؤیایی که توسط رسانه‌های داعشی ارائه شده است طعمه شده‌اند. به‌عنوان مثال شانون کانلی آمریکایی از طریق چت با یک مبارز داعشی به وسیله اسکایپ عاشق وی می‌شود و فریب داعشی‌ها را می‌خورد. علاوه بر این داعش با دخترانی از کانادا، آمریکا، انگلیس، فرانسه و بلژیک و بسیاری از کشورهای دیگر که تحت تأثیر هستند از طریق رسانه‌های اجتماعی تماس گرفته تا آن‌ها را متقاعد کند که به آغوش داعش بپیوندند و در ایجاد یک دولت اسلامی آرمانی سهیم باشند (Speckhard, 2015: 9). این تشکیلات از طریق شبکه‌های اجتماعی همچون وی‌کی^۱ و تامبلر^۲ اقدام به جذب زنان می‌کند. در این بین وی‌کی شبکه اجتماعی مخصوص روس زبان‌های جهان می‌باشد و داعش پیام‌ها و مجلات خود را به زبان روسی در آن منتشر می‌نماید (Woolsey, 2014: 90). علاوه بر این داعش از طریق شبکه اجتماعی تامبلر بر اثرگذاری روی بانوان با ارسال تصاویر، فیلم‌ها و پیام‌هایی با محتوای دوستانه و متناسب با روحیه و علایق بانوان متمرکز است (Schori Liang, 2015: 2).

دلایل متفاوتی برای پیوستن زنان غربی و غیرغربی به داعش وجود دارد که در قالب ترکیبی از انگیزه‌های مذهبی و ایدئولوژیکی، سیاسی و دلایل شخصی جای می‌گیرند. اول اینکه از آن‌ها در تاریخ سنتی داخلی خلافت به عنوان همسران مبارزان و مادران نسل بعدی جهاد یاد می‌شود. دوم اینکه آن‌ها در قالب موقعیت‌های حرفه‌ای همچون مبارزه به فعالیت می‌پردازند (Perešin, 2015: 32). علاوه بر این غرب‌زدگی زنان مسلمان موجب شده است احساس کرامت آن‌ها مورد خدشه واقع شود و درصدد راهی برای ترمیم آن باشند.

.....
1 . VK (VKontakte).com
2 . Tumblr

فارغ از همه این‌ها با توجه به انگیزه‌های متفاوتی که زنان غربی از پیوستن به داعش دارند و نقش بالقوه‌ای که می‌توانند در آینده ایفا کنند این زنان می‌توانند یک تهدید امنیتی قابل توجهی برای غرب در آینده باشند. بخشی از این زنان بعد از بازگشت به راحتی می‌توانند در جامعه ادغام شوند و جالب اینجاست که برخی از این زنان باردار از پدران داعشی با ورود به کشورهای اروپایی و با توجه به قانون غرب می‌توانند فرزندان داعشی خود را نگه دارند و برای آن‌ها تابعیت صادر می‌شود، همین امر باعث می‌شود تا در سال‌های نه‌چندان دور شاهد ظهور داعشی‌های غربی در میان کشورهای اروپایی و غربی. گسترش شعبه‌های از داعش باشیم؛ اما بخشی دیگر که آموزش نظامی دیده‌اند و قصد ادامه فعالیت‌های خود در قالب شبکه جهاد جهانی را دارند می‌توانند تهدید بالقوه‌ای برای کشورهای خود باشند (Perešin, 2015: 43).

جدول ۱- آمار اعضای زن داعش در سال ۲۰۱۷ (Barrett, 2017: 25)

کشور	تعداد	کشور	تعداد
کوزوو	۲۴	بلژیک	~۸۵
مالزی	۱۲	بوسنی	۶۰
مراکش	~۲۷۵	کانادا	~۳۵
هلند	>۹۰	اتحادیه اروپا	~۶۸۰
اسپانیا	۲۱	فرانسه	~۳۲۰
سودان	~۷۰	آلمان	~۱۹۰
سوئیس	۷	اندونزی	۱۱۳
تونس	~۱۰۰	ایتالیا	۶
انگلستان	>۱۰۰	قزاقستان	۲۰۰
استرالیا	~۲۵		

(منبع: نگارندگان)

با توجه به آمار موجود و این واقعیت که زنان به‌طور جدی به دولت اسلامی پیوستند، باید بیان کرد که کشورهای غربی به اندازه کافی اقداماتی برای ایجاد فرصت‌ها و ترویج برابری جنسیتی برای آن‌ها انجام نمی‌دهند (Mietz, 2016: 6). در این میان افزودن دیدگاه جنسیتی به برنامه‌های عملی داعش نه تنها به مسئله جاری مهاجرت زاننه به این تشکیلات مربوط نمی‌شود، بلکه در آینده نیز مفید خواهد بود، زیرا زنان به‌طور مساوی به مشارکت در گروه‌های جهادی یا افراط‌گرای فراتر از دولت

اسلامی تمایل دارند. رهبران حکومتی و قانون‌گذاران در سطح ملی و محلی، نیروهای پلیس، اعضای جامعه مدنی و رهبران مذهبی ملی و محلی در همه کشورها، باید ملاحظات مربوط به زنان را در تلاش‌های خود برای متوقف ساختن پیوستن نیروهای تازه‌کار به دولت اسلامی به کار گیرند (Mietz, 2016: 14).

ج - جنسیت و کارکرد آن در استراتژی مبارزاتی داعش

داعش درصدد بوده تا از همه ظرفیت‌های موجود به بهترین شیوه بهره‌برداری کند. لذا در این‌بین بهره‌گیری این گروه از جنسیت‌های مختلف (زن و مرد) اگرچه عمل جدیدی نیست و در گروه‌های دیگر هم از زنان به همراه مردان استفاده می‌شده است، ولی نوع استراتژی این گروه در بهره‌برداری از نقش زنان در پیشبرد اهدافش بسیار مورد توجه است. این گروه تلاش کرده است در راستای تشکیل دولت اسلامی و گسترش قلمروهای خود از زنان در نقش‌های مادری و جهادی، جنگ‌آوری، تبلیغی، دولت‌سازی، ملت‌سازی و همچنین با دگرگونی نقشی و با تقلب از جایگاه و نقش زنان در راستای استراتژی فرار و ... استفاده کند. در ذیل به بیان و تشریح هر یک از استراتژی‌های داعش در مورد جنسیت پرداخته می‌شود.

۱- مادری و جهادی

نخستین کارکرد جنسیت در استراتژی مبارزاتی گروه تکفیری- تروریستی داعش مادری است. در این گروه نخستین هدفی که از به کارگیری زنان دنبال می‌شود تلاش در راستای تحقق نقش مادری آنهاست. در کنار این امر بر قدرت جنگ‌آوری مردان تأکید می‌شود. کارکرد مادری و جهادی در داعش دو روی سکه‌ای هستند که در نخستین کارکرد جنسیتی داعش باید از آنها یاد کرد. نقش مرکزی اعضای زن در دولت اسلامی، بازگرداندن و بزرگ کردن کودکان و مراقبت از مردان است؛ اما ابو مصعب الزرقاوی، در مورد اعزام زنان برای عملیات‌های انتحاری و بمب‌گذاران انتحاری، چندان ناراحت نبود. داعش همچنین ممکن است قوانین خود را در مورد زنان و جنسیت‌های دیگر آرام و متعادل سازد، لذا در تفسیرهای جدیدی که ارائه می‌دهد از شرایطی که زن می‌تواند از خشونت استفاده کند نه فقط برای محافظت از خود و خانه‌اش، بلکه برای محافظت از جامعه گسترده‌تر دیگر یاد می‌کند (Barrett, 2017: 22). ماهرخ علی به عنوان یک کارشناس در مورد زنان معتقد است، زنان با توجه به هدف مخاطب نقش‌های متفاوتی را ایفا می‌کنند، برای مثال در «بیانیه برای زنان» داعش به

صراحت بیان می‌کند که زن در وهله‌ی نخست مادر است؛ اما کارکرد آن داخل خانه ارضای نیازهای شوهر و بزرگ کردن بچه است (Ali, 2015: 17). در واقع از آنجاکه از منظر داعشی‌ها خانه، نماد بهشت است و یک زن در آن می‌تواند از تأثیرات مضر شیطان در امان باشد و به پرورش نسل بعدی جهادی‌ها پردازد به کارکرد وی به عنوان مادری و تربیت نسل بعدی جهادگران داعشی توجه ویژه‌ای می‌شود (Spencer, 2016: 83). بر همین اساس مسئولیت زنان غربی تحت کنترل قلمرو داعش در درجه‌ی اول همسر خوب بودن برای شوهر جهادی‌شان است که مادری برای نسل‌های بعدی جهادگرایی محسوب می‌شوند (Saltman & Smith, 2015: 22).

در تبیین روی دیگر کارکرد جنسیتی زنان و نوع جهاد زنان در داعش و کارکرد آن‌ها در تحقق دولت اسلامی، باید به عمل جهاد نکاح اشاره داشت. در این باره بر مبنای فتوهای مفتیان سعودی و وهابی در خصوص جهاد نکاح که در سال ۲۰۱۳ مطرح شد زنان می‌بایست خود را به عنوان بندگان جنسی در اختیار مبارزان جهادی قرار بدهند که هدف از آن از بین بردن سرخوردگی مردان مبارز در طول جنگ بوده است (Ali, 2015: 7). در واقع زنان در داعش علاوه بر اینکه در کارکرد مادری ظهور پیدا می‌کنند در کارکرد روانی و تسکین دردهای جنگجویان داعشی از طریق اعمالی همچون سکس و لذت‌های جنسی به کمک مبارزان مرد داعشی می‌آیند. لذا اگرچه در ابتدا زنان برای مبارزه با رژیم اسد وارد سوریه شدند آن‌ها معتقد بودند می‌توانند از طریق این مشارکت از نقض حقوق بشر جلوگیری کنند؛ اما بعدها دلایل دیگر همچون جهاد نکاح بر آن افزوده شد.

بنابراین داعش نیز برای ایجاد خلافت رؤیایی خود به زنان برای کمک در این راستا نیازمند است؛ و از آن‌ها بیشتر در راستای کمک به تشکیل خانواده و ازدواج با مبارزان داعشی استفاده می‌شود. با وجود این زنان در خلافت داعش بر مبنای آموزه‌های شریعت دارای آزادی‌های محدود هستند (Tse, 7-8). باین‌همه باید گفت حضور زنان در داعش خطرناک است، اگرچه زنان در حال حاضر در جهاد خشونت‌آمیز و مبارزات به صورت مستقیم و عمده مشارکت ندارند، اما آن‌ها مسئول انجام وظایف حرفه‌ای همچون افزایش نسل بعدی جهادی‌ها برای گسترش خلافت اسلامی از طریق جهاد نکاح و زادوولد هستند. این در حالی است که جنس مرد درگیر خشونت جهادی و عملیات‌های تروریستی و همچنین به کارگیری افراد در میدان نبرد است (Mietz, 2016: 3).

۲- جنگ‌آوری و فرار

اگرچه مردان بازیگران اصلی و شرکت‌کنندگان ستیزه‌جو محسوب می‌شوند؛ با این حال زنان هم وجود دارد که زنان برای حمایت از دولت اسلامی برای مبارزه در میدان جنگ حضور می‌یابند. این امر در سه صورت رخ خواهد داد: اول اینکه تعداد مبارزان مرد به اندازه کافی نباشد، دوم هنگامی که سرویس‌های جاسوسی زیرزمینی مخفی نقش‌آفرینی می‌کنند و زنان به دلیل حجاب می‌توانند نقش مهمی در این فعالیت‌ها ایفا کنند و سوم برای روحیه دادن به مبارزان مرد و تأمین نیاز جنسی آن‌ها. (Chatterjee, 2016: 213) در این راستا گروه داعش که بارها زنان را از جنگیدن بر حذر می‌داشت، با ادامه شکست‌ها در سوریه و عراق، خواستار حضور زنان در تمامی سطوح نبرد شده است (الکوثر، ۱۳۹۶) در این میان بعضی از زنان داعشی نشان داده‌اند که کارکنان موفق هستند و مانند مردان ممکن است دیگران را تشویق به ارتکاب جرائم تروریستی کنند. (Barrett, 2017: 24) گزارش‌هایی از حضور زنان در خط مقدم در ژوئیه ۲۰۱۴ در سوریه و همچنین آموزش بمب‌گذاران انتحاری زن پس از اوایل سال ۲۰۱۵ وجود دارد. در این راستا بود که گروه‌های مبارز زن در قالب تیپ الخنساء در ۲ فوریه ۲۰۱۴ در داعش تشکیل شد. این تیپ شامل زنان مجرد بین ۱۸ تا ۲۵ سال است که ملیت آن‌ها اکثر نامشخص باقی مانده است. (Spencer, 2016: 83).

با توجه به سند بنیادی الخنساء (یگان نظامی زن داعشی) در شرایط خاصی زنان ممکن است به جهاد بپردازند. این یک تغییر چشمگیر برای یک گروه با قوانین اجتماعی شدید و غیرقابل‌پیش‌بینی است که براساس قرائت خاصی از قرآن بنا شده است تا زنان بتوانند به عنوان ستون کلیدی به نقش‌آفرینی در دولت اسلامی بپردازند. در این میان حداقل، بعضی از اعضای ۶۰۰ اعضای کل زنانه الخنساء در رقه ادعا کردند که در شکنجه شرکت کرده و از این کار لذت برده‌اند. (Barrett, 2017: 23). در این بیانیه، زنان عرب تشویق به استخدام داعش می‌شوند که به سوریه و عراق بروند، جایی که آن‌ها بتوانند شیوه زندگی «جاویدان» که منجر به مسئولیت در منزل می‌شود و مطابق با شریعت است را دریابند. علاوه بر این در این سند بر سن ازدواج دختران به عنوان جنس مؤنث در ۹ سالگی اشاره دارد که این امر موجب می‌شود که پس از ازدواج نقش زن پنهان بماند و بتواند پشتیبان جامعه باشد (Winter, 2015). سندی که این گروه اعلام می‌دارد به نوعی در تقابل با نقش جنسیتی است که برای زنان در غرب در نظر گرفته شده است. این سند همچنین زیبایی‌های زنان را مورد انتقاد قرار داده

است؛ و بیان می‌دارد که غرب زنان را از طریق اعمالی همچون مد و تغییر ظاهر و عمل‌های زیبایی و جراحی، تشویق می‌کند تا خدای خود را تغییر دهند^۱. علاوه بر این در انتقاد داعش به مدل‌های غربی، تیپ الخنسا غربی‌سازی زنان در خلیج فارس را مورد انتقاد قرار داده است. (Dyer, 2016: 10).

در ماه فوریه سال ۲۰۱۶ نیز، مطابق گزارش روزنامه‌ها، هفت تن از اعضای زن داعش بازداشت و سه نفر کشته شدند، پس از اقدام به خودکشی توسط یک زن در لیبی. مدت کوتاهی پس از آن، گزارش‌های تائید نشده ادعا کرد زنان در حمله به بن گاردان در تونس در اوایل ماه مارس سال ۲۰۱۶ نقش داشته‌اند و مستقیم در زمینه درگیری‌های جاری شرکت کرده بودند، چراکه انجام حملات زنان مبارز و مردان مبدل، یک تاکتیک مصوب برخی از سازمان‌های مسلح تلقی می‌شود. این تغییر تدریجی درگیر شدن زنان از نقش‌های حمایتی تا مشارکت در مبارزات در طول مبارزه برای موصل در عراق به دست آمد، لذا مشارکت زنان در مبارزه در آخرین روزهای جنگ برای موصل، آغاز شد؛ یعنی زمانی که داعشی‌ها با فشار شدید در میدان مبارزه مواجه بودند. (Philippa Eggert, 2017).

سرهنگ رفعت سالم ریکنی^۲، رئیس یک سازمان اطلاعاتی نظامی در نیروهای پیش‌مرگ کرد در مبارزه با داعشی‌ها، گفت که مبارزان زن در اطراف خط مقدم مبارزه در شمال عراق، رؤیت شده‌اند. آن‌ها خیلی زیاد نیستند اما شروع به ورود به خط مقدم می‌کنند؛ بنابراین همان‌گونه که بنیاد تاسون رویترز نقل می‌کند؛ زنان برای پیوستن به ستیزه‌جویان داعشی دیگر نیازی به تلاش برای تبدیل شدن به «عروس‌های جهادی» ندارند، بلکه در خط مقدم تدارکات و نظامی‌گری به ایفای نقش می‌پردازند (Argentiére. 2015).

بنابراین با توجه به شکل مردانگی و پدرسالارانه ساختار داعش، همچنان شکل خشونت ساختاری در درون این گروه و در میان مردان نهادینه است. این امر با تعصبات شدیدی که این گروه از اسلام دارد مرتبط است. این نوع خشونت بر تمام ابعاد و زوایای روحیه افراد اعم از زن و مرد مؤثر است. لذا در این گروه زنان در چارچوب دیکتاتوری موجود سرکوب می‌شوند و در بعضی موارد، زنان در لوای چادر خود مسلح شده و به عنوان پرچم‌دار مبارزه قلمداد می‌شوند (Chatterjee, 2016: 205). واقعیت این است که تغییرات قطعی‌ای در مشارکت و کارکرد زنان در طول جنگ داعشی نمایان شده است، زمانی که داعش در معرض فشارهای شدید امنیتی قرار دارد، به به‌کارگیری زنان در نقش‌های

1 . change God's creation

2 . Rafat Salim Raykoni

متفاوت‌تر و تعریف‌شده اقدام می‌کند. لذا زنان، به مبارزات ملحق می‌شوند. علاوه بر این‌ها پس از شکست‌های پی‌درپی داعش از نیروهای مردمی عراق و سوریه این گروه تلاش کرده است از طریق فرار حفظ نیرو کند. در این بین از آنجاکه زنان کمتر جلب توجه می‌کنند یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های داعش برای جامعه عمل پوشاندن به فرار خود، قرار گرفتن در لوا و شمایل زنان است.

۳- دولت‌سازی / ملت‌سازی

داعش قصد ایجاد یک خلافت پایدار را دارد که اساساً یک دولت با یک سیستم کار حکومتی است. فراتر از عضویت مرد و زن، یک خلافت نیز شامل عوامل اقتصادی، نظامی و ... است. براساس گزارش المانیور (۲۰۱۴)، زنان تقریباً ۱۰ درصد از کل تعداد جنگجویان خارجی داعش را شامل می‌شوند و نقش مهمی در تضمین دولت اسلامی و عملکرد عادی دولت و نهادهای آن دارند. (Khelghat-Doost, 2016: 2) از همین رو داعش طرح‌های بزرگی برای زنان مسلمانی که به مناطق تحت حکومت آن‌ها وارد می‌شوند، دارد. داعش در تلاش است تا زنان نقشی کلیدی در ایجاد آنچه که «خلافت» می‌خواند، داشته باشند. در این باره دکتر کاترین براون^۱، کارشناس مطالعات اسلامی در کینگز کالج لندن می‌گوید: داعش می‌خواهد که زنان به آن‌ها بپیوندند و به زنان به عنوان بنیاد دولت جدید نگاه می‌کند. داعش در فوریه سال ۲۰۱۵ رساله‌ای به زبان عربی چاپ کرد که شامل ضوابط رفتاری می‌شود که قدمت آن به ۱۴۰۰ سال قبل برمی‌گردد. هدف اولیه این گروه زنان عرب در کشورهای حوزه خلیج فارس است و در مقیاسی وسیع‌تر زنان خاورمیانه. در این رساله آمده است: ازدواج دختران در ۹ سالگی قانونی است. بسیاری از دختران در ۱۶ و یا ۱۷ سالگی ازدواج می‌کنند، درحالی‌که هنوز جوان و فعال هستند. ایمن دین^۲ از اعضای سابق القاعده معتقد است که دیدگاه داعش نسبت به زنان بسیار متفاوت از دیدگاه القاعده و طالبان است. برخلاف القاعده، داعش در تلاش است تا جامعه‌ای ریشه‌دار و دائمی ایجاد کند. آن‌ها در تلاش‌اند تا مسلمانان جهان را نه فقط از اروپا و آمریکا بلکه از آسیای مرکزی جذب خود کنند... آن‌ها سعی دارند تا خانواده‌هایی برای این گروه به وجود آورند (گاردنر، ۲۰۱۵).^۳ این امر و فتاوی‌های مفتیان وهابی و سعودی مبنی بر ازدواج دختران ۹ ساله که در سند تیپ الخنسا هم آمده است نمایانگر تلاش داعش برای دولت-ملت‌سازی

1 . Catherine Brown

2 . Aimen Dean

۳ . آدرس سایت: http://www.bbc.com/persian/world/2015/08/150821_131_isis_women_role

از طریق افزایش جمعیت و فرزندآوری است. در واقع داعش در تلاش است از همه ظرفیت‌های زنان و دختران استفاده کند و به مثابه دستگاه‌های مبارز ساز از آن‌ها بهره‌برداری کند. در واقع با شکست‌های پی‌درپی داعش و فرار اعضای آن داعش با صدور این نوع فتاوی جدید و صدور مجوز ازدواج دختران زیر ۱۵ سال زمینه حمایت از گروه تروریستی خود و افزایش نیرو را در سال‌های بعدی فراهم آورده است.

در حال به کارگیری زنان غالباً کلیشه‌ای است که می‌تواند در دولت-ملت‌سازی برای داعش مهم باشد. باین حال، مهم است که به یاد داشته باشید که زنان به کارگیری شده در مبارزات تکفیری، مانند همتایان مذهبی مرد خود، ممکن است درباره عقاید خود ابراز شگفتی کنند، لذا آماده تحریک خشونت هستند و از تصمیماتی که برای پیوستن به داعش انجام داده‌اند آگاهی دارند. (Mietz, 2016: 4). در راستای دولت‌سازی در داعش، شاغلین زن پست‌های حیاتی را در تشکیل دولت اولیه اسلامی بر عهده داشته‌اند. آن‌ها غالباً مسئولیت‌هایی از قبیل: زن سربازهای داعش بودن، تولید نسل جدید جهاد، افزایش سربازگیری داعش از طریق سایت‌های آنلاین و برقراری نظم میان شبکه‌ی زنان داعش را بر عهده می‌گرفتند. (Spencer, 2016: 80-83) لذا بسیاری از نقش‌ها همچون نقش پرستار و دکتر را به زنان سپرده است. علاوه بر این‌ها در سرزمین‌های تحت تسلط داعش، زنانی هستند که برای پلیس مذهبی فعال هستند تا اطمینان حاصل شود که زنان دیگر از قوانین سخت‌گیرانه مذهبی و سیاسی داعش پیروی می‌کنند. در عین حال جاسوسانی هم هستند که مراقب‌اند زنان دیگر به داعش وفادار بمانند، علاوه بر این‌ها از آنجایی که داعش خود را یک دولت تازه تأسیس می‌داند، برنامه بلندمدت برای آموزش نسل بعدی شهروندان یا جهادیان آن ترسیم کرده است. به خاطر فوریت آماده‌سازی نسل بعدی خلافت، زنان داعشی امروز به عنوان مادران در نظر گرفته می‌شوند، به همین علت، داعش اولین مدرسه دخترانه خود را در «الزورا» ایجاد کرد که به دنبال ایجاد یک نسل از مادران ایدئولوژیک است و به آن‌ها آموزش‌های گوناگونی ارائه می‌دهد. (Khelghat-Doost, 2016: 4) شایان ذکر است اگرچه داعش در حال گسترش استراتژی‌های تبلیغاتی و استخدامی خود است، اما نقش آن به طور عمده از طبیعت داخلی و ایدئولوژی گروه متأثر است و این گروه جدایی جدی جنسیتی را در قلمرو تحت کنترل خود اعمال می‌کند (Philippa Eggert, 2017).

۴- تبلیغی و بسیج گر

برعکس طالبان و القاعده، داعش به بسیاری از زنان غربی که به خدمت گرفته اجازه می‌دهد که در شبکه‌های اجتماعی نقش فعال داشته باشند. شاید بهترین نمونه در این مورد یک دختر ۲۰ ساله ساکن گلاسکوئی اسکاتلند به نام «اقصی محمود» باشد که خود را «ام لیث» می‌نامد. او به دلیل نصایحش به زنان معروف است. زنانی که در فکر ترک خانواده‌هایشان در بریتانیا و پیوستن به داعش هستند. در این باره ماه رخ علی، معتقد است دادن نقش محوری به زنان در شبکه‌های اجتماعی استراتژی است که داعش عمداً به کار می‌برد. وی معتقد است «داعش از زنان در مقایسه با آنچه که از طالبان و القاعده دیدیم فعالانه‌تر استفاده می‌کند». «روزانه شاهد حدود یک‌صد هزار توییت از سوی طرفداران داعش هستیم و ظاهراً بسیاری از این توییت‌ها به زنانی از جوامع غربی مربوط می‌شود که به داعش پیوسته‌اند» (گاردنر، ۲۰۱۵). همچنین، برخلاف القاعده، داعش به پیروان خود اعم از زن و مرد توصیه می‌کند که اگر امکان مهاجرت و سفر به قلمرو تحت حاکمیت این گروه را نیز ندارند می‌توانند در کشورهای تابع خود اقدام به فعالیت جهادی کنند (Calo & Hartley, 2019:15). گروه داعش از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با ترویج اعتقادات و باورهای آرمانی، به دنبال جذب نیروی نظامی و در عین حال ایجاد ارباب در مخالفان بوده است. استفاده از تصاویر خانواده‌های داعشی در حال شادی کردن و انتشار خاطرات زنان داعشی در توییت و اشتراک‌گذاری آن یکی از ترفندهای داعش برای جذب بانوان بوده است. (Ali, 2015:15) زنان مورد هدف در برنامه جذب نیرو بیشتر بر روی طیف‌های با گرایش‌های مذهبی و ایدئولوژیکی متمرکز بوده است. بدین معنی که اکثریت زنان و دخترانی که جذب این گروه شده‌اند بیشتر از میان مسلمانان و گروه‌های بوده است که از نوعی سرخوردگی اجتماعی و خانوادگی رنج برده‌اند. نکته جالب توجه اینکه به لحاظ انگیزه و هدف از مهاجرت به قلمرو خلافت اسلامی تفاوت فاحشی بین انگیزه زنان و مردان حتی در سایر سازمان‌های اسلامی با داعش وجود ندارد و تقریباً یکسان است (Loken & Zelens, 2018:46).

داعش از طریق رسانه و فضای سایبری خوراک فکری جامعه هدف را تأمین می‌کند و به بسیج افکار عمومی و جذب آن‌ها اقدام می‌کند و ساختار شبکه‌ای خود را از محیط واقعی به دنیای مجازی می‌کشاند و پیوندهای خود را با اعضا و حامیانش تقویت می‌کند. در واقع برقراری این پیوند به شمولیت گروه داعش کمک فراوانی می‌کند (Sardarnia & safizadeh, 2014: 14) در این بین همان‌گونه که داعش از رسانه‌های همچون «تامبلر» برای جذب و فریب زنان بهره می‌گیرد؛ از زنان

برای فریب پسران و مردان شهوت‌پرست و کشاندن آن‌ها در صف جنگجویان داعشی استفاده می‌کند. اگرچه عمدتاً از زنان انتظار می‌رود که در محیط داخلی باقی بمانند، اما مشارکت آن‌ها برای توسعه بسیار مهم است. زنان ممکن است باعث تبلیغات شوند و یا خشونت را تشویق کنند، همچنین نسل جدید جهادی‌ها را به دنیا بیاورند و یا در موقعیت‌های خاص حرفه‌ای مانند پرستاران و معلمان قرار بگیرند. (Mietz, 2016: 5) امروزه داعش از زنان و دختران به عنوان دامی برای بسیاری جوانان عرب و مسلمانی استفاده می‌کند که به دلیل بیکاری و تورم موجود در کشورهايشان ازدواج به عقده‌ای بزرگ برایشان تبدیل شده است، در این شرایط این جوانان می‌توانند با پیوستن به داعش و حضور در سوریه یا عراق به خواسته‌های خود دست یابند (صفی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۱۸) در این راستا مفتی‌های وهابی با صدور فتوایی بهترین راه برای شرکت زنان در درگیری‌های سوریه را «جهاد نکاح» عنوان کردند. براساس این فتوا که آن را به مفتی تندرو «محمد العریفی» نسبت می‌دهند، دختران ۱۴ تا ۱۶ ساله و یا «زنان مطلقه» اگر برای رفع نیازهای جنسی شورشیان سوریه به این کشور سفر کنند، ثواب آن‌ها بهشت خواهد بود. (پرهوده، ۱۳۹۴) درواقع داعش از راه‌های مختلفی همچون توصیف یک مدینه فاضله و فریب دختران جوان و گاه‌آ از طریق خشونت به جذب و به‌کارگیری آن‌ها اقدام می‌کند (Binetti, 2015:2).

شایان‌ذکر است تجزیه و تحلیل مکانیسم تبلیغات تبلیغاتی داعش نشان می‌دهد که به منظور تشخیص تهدیدی که داعش برای امنیت بین‌المللی ایجاد می‌کند، اولاً تبلیغات جهادی زنان به طور ویژه خطرناک است؛ زیرا این امر به عنوان یکی از آرزوهای زنانه به‌طورجدی مورد توجه قرار نگرفته است و در صورت جامعه عمل پوشاندن به آن می‌تواند زیان‌بار باشد و دوم اینکه جهاد زن به عنوان یک مبارز، غیر جنگنده به شدت دست‌کم گرفته شده است (Kneip, 2016: 94). از همین رو باید گفت که زنان همواره نقش مهمی در حملات تروریستی ایفا کرده‌اند. درواقع زنان با تشویق زنان دیگر برای پیوستن به سازمان، بزرگ کردن گروه و افزایش تعداد و نوع حملات این سازمان می‌توانند به خوبی به دفاع از اهداف سازمان بپردازند (Hassan, 2015: 2). درواقع زنان با توجه به قابلیت‌هایی که دارند به دلیل جنسیت خود بیشتر توجه رسانه‌ها را به خود جلب می‌کنند. علاوه بر این، زنان بیشتر با فرهنگ غرب آشنایی دارند و احتمال اینکه مورد سوءظن قرار بگیرند به دلیل جنسیت خود کمتر است و این احتمال وجود دارد که آن‌ها بتوانند به خوبی به حملات علیه اهداف اقدام کنند. با این حال ماهیت تهدید تروریستی در حال تکامل است و شامل بازیگران و اهداف جدید است. زنان

به احتمال زیاد به یک بخش جدید در میان گروه‌های تروریستی بین‌المللی همچون داعش تبدیل شده‌اند. جایی که آن‌ها می‌توانند به عنوان سلاح‌های تاکتیکی مفید خدمت کنند داعش با تبلیغات خود بیان می‌دارد که زنان ارزش‌های فراوانی برای خلافت اسلامی دارند. لذا در این باره نشان می‌دهند که داعش نه به دنبال جنبه‌های جنسی بلکه از زنان به عنوان مادران نسل بعد و نگهداران ایدئولوژی داعش یاد می‌کند (Saltman & Smith, 2015: 18). این امر باعث شده زنان فراوانی به امید ساختن مدینه‌ای فاضله در میان گروه تروریستی داعش به سوی مرزهای عراق و سوریه سرازیر شوند؛ بنابراین در کنار به‌کارگیری زنان به عنوان مادران جهادی و وسیله‌ای برای ملت‌سازی از آنان با عنوان وسیله‌ای برای تبلیغ و بسیج نیرو برای داعش استفاده می‌شود. با توجه به اینکه زنان نقش مهمی را در انتشار تبلیغات و استخدام زنان دیگر از طریق سیستم‌های آنلاین در داعش بر عهده گرفته‌اند (Saltman & Smith, 2015: 22). از نیمه دوم سال ۲۰۱۳ شاهد افزایش عظیم حجم مبارزان خارجی داعش به ویژه از اروپا بوده‌ایم. بر همین اساس در گزارشی که مؤسسه بروکینگز توسط دانیل بیمن^۱ و جرمی شاپیرو^۲ ارائه می‌کند در این دوره شاهد سریع‌ترین بسیج جنگجویان خارجی در تاریخ جنبش‌های جهادی مدرن بوده‌ایم (Bakker & Singleton, 2016: 14).

۵- درآمدزایی

از زمان تأسیس داعش، این گروه برای انجام فعالیت‌های خود به شدت متکی به منابع مالی بوده است که به طور عمده از طریق سازمان‌ها و نهادهای خصوصی و دولتی تأمین می‌شده است و کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان؛ نقش اساسی را در این بین داشته‌اند. به طور برجسته این منابع مالی از طریق قاچاق نفت، آدم‌ربایی، فروش برده و فساد سیاسی تأمین می‌شود (Brisard & Martinez, 2014: 4-5). لذا در همین راستا از دیگر کارکردهایی که زنان برای گروه تکفیری داعش دارند نقش آن‌ها در تأمین منابع مالی داعش است (Allen, 2019: 45). این امر زمانی مورد توجه است که به یاد داشته باشیم تجارت برده یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین منبع تأمین‌کننده مالی داعش است. اوج این جنایات را باید در تصرف شهر «موصل» و مناطق اطراف آن به ویژه سنجار ملاحظه کرد، جایی که زنان و کودکان توسط این گروه تکفیری به «بردگی» کشیده شدند. این گروه تکفیری تروریستی چندین بازار ثابت برده‌فروشی را در این دو شهر دایر کرده و در عمل، برده‌فروشی به یکی

1 . Daniel Byman

2 . Jeremy Shapiro

از منابع درآمد ثابت داعش تبدیل شده است. در این بازارها زنان و دختران نوجوان و حتی کودکان بر اساس سن، زیبایی چهره و کاربردی که باید برای برده‌دار داشته باشند، به فروش می‌رسند (پرهوده، ۱۳۹۴).

نتیجه گیری

داعش به عنوان یکی از گسترده‌ترین و خشونت‌آمیزترین گروه‌های تروریستی جهان تلاش کرده است در راستای ایجاد خلافت اسلامی از همه ظرفیت‌های موجود بهره‌برداری کند. لذا شاهد حضور هر دو جنس زن و مرد در این دولت خود خوانده بوده‌ایم. با تطبیق نظریه کارکردگرایی تالکوت پارسونز که بر نقش‌های جنسیتی در خانواده تأکید داشت بر داعش به عنوان یک خانواده و سیستم بزرگ، استنباط شد که علی‌رغم محدودیت‌هایی که بر روی نقش جنسیتی وجود دارد و بر حضور نقش سنتی زنان به عنوان مادری تأکید می‌شود، درگیری‌های گسترده اعضای داعش، نشان‌دهنده انحراف نقش جنسیت در داعش نسبت به گروه‌های دیگر جهادی در گذشته است؛ بنابراین، درک سنتی مشارکت زنان و مردان در سازمان‌های جهادی محدود است. داعش مانند هر گروه دیگر از زنان در فعالیت‌های بزرگ‌تر و قابل توجه استفاده می‌کند. با توجه به این پیشرفت نباید زنان را محدود به نقش جهاد نکاح و مادری کرد. هر دو جنس مرد و زن در داعش دارای انگیزه‌های ایدئولوژیکی هستند که منطق آن‌ها را برای شرکت در مبارزات داعشی تعریف می‌کند. لذا کارکرد جنسیت در استراتژی مبارزاتی داعش نیازمند نگاه تازه به رویکرد غالب مردسالارانه در گروه‌های بنیادگرا و تروریستی است.

زنان در استراتژی مبارزاتی داعش دارای کارکردهای متفاوتی هستند. در وهله نخست زنان در داعش به عنوان مادران جهادی و پرورش‌دهنده نسل بعدی جهادگران قلمداد می‌شوند. مادران جهادی از این طریق در تشکیل خلافت اسلامی مدنظر داعش مؤثر واقع می‌شوند. علاوه بر این زنان در داعش از طریق اعمالی همچون جهاد نکاح به شارژ کردن نیروهای مرد داعشی خواهند پرداخت. در کنار این‌ها باید گفت که زنان داعشی کارکرد جنگ‌آوری داشته‌اند. این امر زمانی تحقق پیدا کرد که داعش احساس ضعف کرد و خود را در حال نابودی دید. از دیگر کارکردهای زنان در استراتژی مبارزاتی داعش بهره‌گیری از نقش زنان برای فرار است. داعشی‌ها با قرار گرفتن در تنگناهای استراتژیکی با تغییر چهره و مبدل کردن خود در نقش زنان تلاش کرده‌اند فرار کنند. بسیج نیرو و

تبلیغ از دیگر کارکردهای زنان در داعش است. نوع نگاه ویژه‌ای که داعش به زنان داشته است باعث شده در استراتژی مبارزاتی داعش از زنان به عنوان طعمه استفاده شود. لذا زنان داعشی با تبلیغات خود در فضاهای مجازی اقدام به بسیج نیرو و جذب مبارزان تازه‌نفس برای داعش کرده‌اند. علاوه بر این‌ها زنان در استراتژی مبارزاتی داعش دارای کارکرد مالی بوده‌اند. فروش برده‌های زن و دختر ایزدی، مسیحی و... به میلیاردرهای سعودی و دیگر تروریست‌ها یکی از مهم‌ترین منابع مالی‌ای بوده که در پیشبرد استراتژی‌های مبارزاتی داعش مؤثر بوده است.

درواقع نظام دولت اسلامی عراق و شام در راستای سازگاری با محیطش بر نوع بهره‌گیری و کارکردهای جنسیت مؤثر بوده است؛ بنابراین جای تعجب نیست که در استراتژی مبارزاتی داعش شاهد تغییر نقش‌ها باشیم. این نظام و یا سیستم که در قالب داعش خود را نمایان ساخته و افراد اجزای تشکیل‌دهنده آن تلقی می‌شوند، در راستای دستیابی به نیازها و اهداف خود به تنظیم رابطه جنسیت‌های زن و مرد پرداخته که به اشکال مختلفی همچون مادری و جهادی، جنگ‌آوری، تبلیغی و بسیج‌گر و همچنین درآمدزایی خود را در مورد جنسیت زن نمایان ساخته است. لذا یکپارچگی میان اعضای داعش با وجود تفکیک جنسیتی وجود دارد. درواقع جنسیت‌ها در داعش بر مبنای کارکردی که دارند به یکدیگر وابسته هستند و بر ارزش‌های موجود در دولت اسلامی عراق و شام اجماع دارند. این اجماع ارزشی ایدئولوژیک و افراطی در داعش سبب شده تا شاهد حضور جنسیت‌های مختلف و اقوام و طبقات مختلفی در بدنه اجتماعی این گروه باشیم. چراکه کارکرد و تداوم داعش نیازمند اجماع و توافق عام اعضای آن است.

منابع

الف- منابع فارسی

دیانت، محسن (۱۳۹۵)، «تأثیر نظریه کارکردگرایی بر شکل‌گیری بروکراسی و ساختار فرهنگ در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۰۵-۱۲۵.

دیلینی، تیم (۱۳۸۷)، *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نشر نی.

راین، آلن (۱۳۸۸)، *فلسفه علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: نشر صراط.

ریتزر، جرج (۱۳۸۹)، *مبانی نظریه جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر ثالث.

صالحی، سید جواد، مرادی‌نیاز، فاتح (۱۳۹۵)، «بنیادگرایی اسلامی داعش - القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی»، *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۴، شماره ۸، صص ۸۵-۱۱۰.

صفی‌زاده، رسول (۱۳۹۶)، تأثیر جهانی‌شدن بر ظهور و گسترش داعش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا. دانشگاه شیراز.

کیانی، فائزه (۱۳۹۴)، تحلیل بحران سیاسی سوریه از منظر شکاف‌های اجتماعی (با تأکید بر سلفی‌ها)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا. دانشگاه شیراز.

ب- منابع انگلیسی

- Ali, Mah- Rukh. (2015), *ISIS and propaganda: How ISIS Exploits Women*, Reuters Institute for the Study of Journalism, England: University of Oxford.
- Allen, H. L. (2019), *Islamic State Financing Techniques*, Undergraduate Honors Thesis, University of Colorado at Boulder.
- Bakker, Edwin & Singleton, Mark (2016), *Foreign Fighters in the Syria and Iraq Conflict: Statistics and Characteristics of a Rapidly Growing Phenomenon*, International Centre for Counter-Terrorism.
- Barrett, Richard, (2017), *beyond the caliphate: Foreign Fighters and the Threat of Returnees*, the Soufan center. The global Strategy network.
- Barton, G. (2019), "Understanding Key Themes in the ISIS Narrative: An Examination of Dabiq Magazine," In *Contesting the Theological Foundations of Islamism and Violent Extremism*, pp. 139-161.
- Binetti, Ashley. (2015), *A New Frontier: Human Trafficking and ISIS's Recruitment of Women from the West*, A publication of the Georgetown Institute for Women, Peace & Security.
- Calo, B. & Hartley, E. (2019), "ISIL recruiters as social media influencers: Mechanisms of legitimization by Australian Muslim men", *Contemporary Voices: St Andrews Journal of International Relations*, Contemporary Voices, Volume 1, Issue 2, April, pp.1-25.

- Charles Brisard, Jean & Martinez, Damien (2014), *Islamic State Economy – Based Terrorist Funding*. Thomson Reuters Accelus, October.
- Chatterjee, Debangana. (2016), "Gendering ISIS and Mapping the Role of Women", SAGE Publications India, Vol, 3, issue, 2, pp. 201-218.
- Cook, J. & Vale, G. (2018). *From Daesh to Diaspora: Tracing the Women and Minors of Islamic State*, England: King's College London, International Centre for the Study of Radicalisation.
- Dyer, Emily. (2016). "Women and the Caliphate: Women's Rights and Restrictions in Islamist Ideology and Practice". Centre for the Response to Radicalisation and Terrorism Policy, Paper No. 7, pp.1-32.
- Foster, J. E. & Minwalla, S. (2018), "Voices of Yazidi women: Perceptions of journalistic practices in the reporting on ISIS sexual violence", In Women's Studies International Forum Vol. 67, pp. 53-64.
- Hassan, Duenya. (2015), *Women of Mass Destruction Combating Radicalization on the Web*, The Project on International Peace and Security Institute for the Theory and Practice of International Relations the College of William and Mary.
- Hojati, Zahra, (2016), "Violence Against Women Under ISIS Occupation: A Critical Feminist Analysis of Religious and Political Factors that Commodify Women's Sexuality in the War Zone", International Relations and Diplomacy, Vol. 4, No. 4, pp. 302-310.
- Joas, Hans & et al, (2014), *Social Theory*, Cambridge University Press,
- Khelghat - Doost, Hamoon. (2016), "Women of the Islamic State: The Evolving Role of Women in Jihad, Center for Security Studies", Eidgenössische Technische Hochschule Zürich, pp.1-4. www.css.ethz.ch/en/services/digital-library/articles/article.html/.
- Kneip, Katharina. (2016), "Female Jihad – Women in the ISIS", *Politikon*, Vol. 29, pp.88-106.
- Lacewing, Michael. (2014), *Functionalism*, Routledge. Taylor & Francis Group <http://www.alevelphilosophy.co.uk>.
- Loken, M. & Zelenz, A. (2018). "Explaining extremism: Western women in Daesh". *European Journal of International Security*, vol3, No1, pp.45-68.
- Mietz, Eric. (2016), *What about the Women? Understanding and Addressing the Problem of ISIS Female Recruitment in the Western Balkans*. Belgrade Centre for Security Policy.

- Mitts, T. (2019), " *From isolation to radicalization: anti-Muslim hostility and support for ISIS in the West*", American Political Science Review, vol 113, no 1, pp.173-194.
- Parsons, T. (2010), *Essays in sociological theory*, Simon and Schuster.
- Parsons, T. Staubmann, H. & Lidz, V. (2018), *An Approach to the Analysis of the Role of Rationality in Social Action*, United state, Rationality in the Social Sciences.
- Perešin, Anita. (2015), " *Fatal Attraction: Western Muslimas and ISIS*", Perspectives on Terrorism, Volume 9, Issue 3, pp. 21-38.
- Peter, H. A. S. S. (2019), " *From Hijrah to Khilafah: Rhetoric, Redemption, and ISIL's Recruitment Strategy*", International Journal of Communication, vol13, no18, pp.510-527.
- Philippa Eggert, Jennifer. (2016), " *Women Fighters in the "Islamic State" and Al-Qaida in Iraq: A Comparative Analysis*", Journal of International Peace and Organization, special issue on the "Islamic State". Volume 90, Issues 3 - 4, pp. 363 – 380.
- Saltman, Erin Marie & Smith, Melanie, (2015), *Till Martyrdom Do Us Part' Gender and the ISIS Phenomenon*, Institute for Strategic Dialogue, London.
- Sardarnia, Khalil & Safizadeh, Rasoul. (2017), " *The Internet and Its Potentials for Networking and Identity Seeking: A Study on ISIS*", Terrorism and Political Violence, pp.1-19.
- Schori Liang, Christina. (2015), " *Cyber Jihad: Understanding and Countering Islamic State Propaganda*", Geneva Center for Security Policy (Where Knowledge Meets Experience) (GCSP).pp.1-12.
- Spencer, Amanda N, (2016), " *The Hidden Face of Terrorism: An Analysis of the Women in Islamic State*", Journal of Strategic Security. Volume 9 Number 3 Volume 9, No. 3, pp.74-98.
- Tse, Tiffany. (2016), *ISIS and Recruitment: How Do Demographics Play a Role?* A Senior Honors Thesis, Carnegie Mellon University, Research Showcase @ CMU, Theses Dietrich College of Humanities and Social Sciences, 29 April: <http://repository.cmu.edu/hsshonors>.
- Van San, M. (2018), " *Belgian and Dutch young men and women who joined ISIS: Ethnographic research among the families they left behind*", Studies in Conflict & Terrorism, vol41, no1, pp.39-58.
- Walton, K. (2019), *Leaving Home for Jihad: Predicting ISIS Foreign Fighters in the West*, Undergraduate Honors Theses, University of Colorado at Boulder.

- Woolsey, R. James. (2014), "*From Al-Qaeda to The Islamic State (ISIS), Jihadi Groups Engage in Cyber Jihad: Beginning with 1980s Promotion of Use of 'Electronic Technologies' Up to Today's Embrace of Social Media to Attract a New Jihadi Generation*", The Middle East Media Research Institute (Memri) Inquiry & Analysis - Jihad and Terrorism Studies, vol 42. pp.86-101.

پ- منابع الکترونیکی

- گاردنر، فرانک. زنان چه نقشی در داعش ایفا می‌کنند، تاریخ به‌روزرسانی: ۲۰۱۵/۸/۲۱
http://www.bbc.com/persian/world/2015/08/150821_131_isis_women_role
- الکوثر. داعش از زنان کمک خواست. تاریخ به‌روزرسانی ۱۳۹۶/۷/۱۶
<http://fa.alkawthartv.com/news/97721>
- پرهوده، کامران. استراتژی داعش در مورد زنان، تاریخ به‌روزرسانی ۱۳۹۴/۸/۵
<http://fararu.com/fa/news/250881/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D8%AA%DA%98%DB%8C-%D8%AF%D8%A7%D8%B9%D8%B4-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86>
- Freeman.c. Abu Bakr al-Baghdadi, al-Qaeda s New Poster Boy for the Middle East, Update: 25 may 2014: <http://www.dnaindia.com>
- Philippa Eggert. Jennifer Women in the Islamic State: Tactical Advantage Trumps Ideology, IPI. Global observatory, Update: August 21, 2017. <https://theglobalobservatory.org/2017/08/isis-women-ideology-mosul>.
- 1 Speckhard, Anne. Female Terrorists in ISIS, al Qaeda and 21rst Century Terrorism. Trends Research: Inside the Mind of a Jihadist, Update: May 4, 2015 <http://trendsinstitution.org/wp-content/uploads/2015/05/Female-Terrorists-in-ISIS-al-Qaeda-and-21rst-Century-Terrorism-Dr>.
- Winter, Charlie. Life as a woman under Isis: Document reveals for the first time what group really expects from female recruits living in Syria and Iraq, independent, Update: 23 July 2015: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/life-as-a-woman-under-isis-document-reveals-for-the-first-time-what-group-really-expects-from-female-10025143.html>
- Argentiere, Benedetta. From Brides to Battlefield, Women Taking Up New Roles with ISIS. In: Al Arabiya Online, Update: 2 April 2015: <http://english.alarabiya.net/en/perspective/2015/04/02/From-brides-to-battlefield-women-taking-up-new-roles-with-ISIS>.